رد بر منکر جهاد



رسانه الحدید

بسم الله الرحمن الرحیم

رد بر منکر جهاد

(ابو محمد مدنی)

رسانه الحدید

ذوالحجه-1445-

إنَّ الْحَمْدَ لِلهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللهُ فَلاَ مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضْلِلْ فَلاَ هَادِىَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ}، {يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيراً وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا}، {يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَقُولُوا قَوْلاً سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا}، أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللهِ، وَخَيْرَ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وسلم، وَشَرَّ الأُمُورِ مُحْدَثَاتُهَا، وَكُلَّ مُحْدَثَةٍ بِدْعَةٌ، وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلاَلَةٌ، وَكُلَّ ضَلاَلَةٍ فِى النَّارِ:

با الهام به سخن ابن تیمیه رحمه الله که می گوید: اگر من ساکت بمانم تو ساکت بمانی، پس چه کسی نادان و عامی را آگاه و توجیه و تفهیم کند؟!

پس بنام الله می‌گویم: این یک حقیقت انکار ناپذیر است که گروه حق و باطل در هر عصر وجود داشته و مبارزه میان حق و باطل پس از خلقت ابوالبشر آدم علیه السلام و نافرمانی ابلیس علیه لعنه آغاز شد، و مردمان درگیر مبارزه و پیکار در زمان های مختلف بوده‌اند، که همیشه گروه حق را پیامبران الهی و جانشینان آنها و گروه باطل را ابلیس و سران کفر رهبری کرده‌اند.

این سلسله ادامه داشت تا اینکه دین اسلام ظهور کرد و سپس خلفاء آمدند و پرچم حق را بلند کرده و علیه گروه باطل جهاد و مبارزه نمودند، و گروهی حق به مبارزه‌ی خود همیشه ادامه داد، تا اینکه عصر حاضر شاهد گرفتن پرچم اهل حق توسط خلافت اسلامی شد، و این خلافت اسلامی مبارزه علیه گروه باطل و لشکر شیطان را با هر راه ممکن در حال پیشبردن است.

و الله متعال را سپاس می گویم که برای ما دوستانی قرار داد تا اینکه از خلافت اسلامی دفاع کنند، و برای ما دشمنانی قرار داده که هرکدامی آن به شکل مختلف در جنگ و نزاع با ما هستند، گروهی مستقیم با شمشیر

و سلاحِ خود و ندای اتحاد ملل کفر را علیه ما سر داده؛ همچون حکومت آل سلول و طالبان مشرک، اگر هرقدر جمع شوند و آمادگی بگیرند به همانقدر ایمان ما افزایش یافته و عزم جنگیدن ما محکم تر می شود، و اما گروه دیگری که با زبان هایشان بر خلافت اسلامی طعنه وارد می‌کنند و شبهات پخش می کنند و دست به انواع تهمت ها علیه مجاهدین خلافت اسلامی میزنند، و میخواهند با این کار شان چهره مجاهدین را زشت جلوه داده و مسلمانان و خصوصاً جوانان موحد را از پیوستن به خلافت اسلامی و هجرت و جهاد باز دارند.

{يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ} [التوبة:٣٢]

ترجمه: آنان میخواهند نور الله را با (گمانهای باطل و سخنان ناروای) دهان خود خاموش گردانند (و از گسترش این نور که اسلام است جلوگیری کنند) ولی الله جز این نمیخواهد که نور خود را به کمال رساند (و پیوسته با پیروزی این آئین، آن را گسترده‌تر گرداند) هرچند که کافران دوست نداشته باشند.

و از جملـه آنانیکـه علیـه جهـاد و مجاهدیـن در ایـن اواخـر دهـن بـاز کرده و بـا انـواع تهمت هـا و تلبیس هایش خواستار توقـف جهـاد و هجـرت بـرادران تاجیـک و دیگـران شـده اسـت **ابـو محمـد مدنـی** می‌باشـد کـه تربیـت شـده در مکتـب آل سـلول و غمخـوار روس هـای کافـر اسـت، چند بـار در صفحات اجتماعـی ظاهـر شـده و از آدرس عـالم اهـل سـنت و جماعـت سـخنان بـی مـدرک و تهمـت هـای مضحـک را علیـه خلافـت اسـلامی و مجاهدیـن بـه زبـان آورده اسـت.

و ایـن شـخص دور از عـدل انصاف دشـمنی آشـکاری را علیه گروه حـق آغـاز کـرده و خـود را بـه گـودال گـروه باطـل پـرت نمـوده اسـت، وی نـه تنهـا اینکـه منکـر فرضیـت جهـاد در عـصر حـاضر بـوده بلکـه مانـع پیوسـتن دیگـران بـه جهـاد نیـز شـده اسـت.

و در سـخنان و دعـوت هایـش از غلـو کار گرفتـه و عدلـی را کـه اللـه سـبحانه وتعالـی فرمـان داده در نظـر نگرفتـه اسـت، در حالیکـه اللـه سـبحانه و تعالـی مسـلمین را در هـر زمانـی امـر بـه عـدل کـرده اسـت حتـا در مقابـل مـشرک و دشـمن، اللـه تعالـی می‌فرمایـد: {يَـا أَيُّهَـا الَّذِيـنَ آمَنُـوا كُونُـوا قَوَّامِـينَ لِلَّـهِ شُـهَدَاءَ بِالْقِسْـطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُـمْ شَـنَآنُ قَـوْمٍ عَـلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُـوا

اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ} [المائده: ٨]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای الله قیام کنید و به عدالت گواهی دهید، دشمنی با گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک تر است و از الله بترسید، همانا الله به آنچه می کنید؛ آگاه است.

این سخن رسول الله صل الله علیه وسلم را باید آنانیکه ادعای تابع داری سنت را می کنند دقیق بشنوند، و از تهمت های ناپاک خود که بر مجاهدین برچسپ می‌زنند دست بکشند پیش از آنکه دیر شود، رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: من قال في مؤمن ما ليس فيه؛ أسكنه الله رَدْغَة الخبال، حتى يخرج مما قال. [صحیح الترغیب: ٢٨۴۵]

ترجمه: هر شخصی به مومنی چیزی بگوید که در وجودش نیست الله متعال آن شخص را در ردغه خبال (رودی در جهنم) داخل می‌کند تا اینکه از چیزی که گفته خارج شود.

و کسانیکه بنابر خواهش های نفسانی شان میایند بر

عملیات های مبارک خلافت اسلامی طعن وارد می کنند، و برای مخاطبان خود دین را به نوعی تحریف کرده و احادیث را در غیر موضوع استفاده کرده و استدلالِ دور از فهم قرآن و سنت می کنند .

و بر فعل و جهاد حلال مهر حرام بودن را میزنند باید بدانند که این کار شان جز تباهی و خوار شدن در دنیا و آخرت نفعی دیگری برایشان نخواهد داشت، الله متعال در سوره نحل میفرماید: {وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَٰذَا حَلَالٌ وَهَٰذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ} [نحل: ١١٦]

ترجمه: و چیزی را که زبان تان به دروغ توصیف می کند؛ نگویید: «این حلال است، و آن حرام» تا بر الله افترا ببندید، یقیناً کسانی که بر الله افترا می بندند؛ رستگار نمی شوند.

بلی وعید چنین است کسانیکه بدون علم و از روی جهل و عناد بیایند و بر جهاد و عملیات های جهادی و مجاهدین طعن وارد کنند و فعل جایز و حلال را زیر سوال برده و ناجایز بگویند، پس واقعا که تکذیب الله متعال را کرده‌اند.

بعد از اینکه سخنان جاهلانه **مدنی** را شنیدیم و دیدیم چگونه شاگردانش زنجیر تقلیدش را بر گردن هایشان انداختند، حدیثی را که امام بخاری در کتاب خود آورده است به یادمان زد، رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: وقتی علماء از بین رفتند عده‌ای جهال می آیند فتوا میدهند هم خود را گمراه می کنند و هم دیگران را.

اما افسوس که اینبار منبع گمراهی کسی شده که ادعای علم و سلفیت می کند و در حالیکه جهل و تکبر چنان احاطه اش کرده که منکر بزرگترین قلهٔ اسلام شده و علیه آن آستین دشمنی برزده است.

و گمان می کند که خیر اندیش و خیرخواه امت است و با خانه نشینی و غمخواری صلیبی ها میتواند خیری به مریدانش برساند، در حالیکه با افعال و گفتارش نه تنها خودش بلکه شاگردان و مقلدینش را نیز بسوی فساد و متفرق ساختن صف موحدین کشانده است و با سخنان منافقانه اش میخواهد دل چند کافر و مرتد را بدست آورده و آن‌ها را راضی کند، در حالیکه برایش گفته شد که راه حق را رها نموده‌ای و بر مسیر باطل حرکت کرده‌ای، ولی

بیماری ای بنام عناد و تکبر که سراسر وجودش را فرا گرفته بود او را به حالتی رسانید که بر فسادش پافشاری کرده و ادعای مصلحت و اصلاح کاری را می کرد.

آیا کسی که جوانان را به خانه نشینی دعوت کند و غمخواری کافران را کند مصلح و ناصح است یا مفسد و فاسد؟!

این **مدنی** با این کارش چه اندازه شباهت تنگا تنگ با منافقین دوران رسول الله صلی الله علیه وسلم پیدا کرده است، الله متعال در مورد منافقین میفرماید: {وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ} [البقرة: ١١]

ترجمه: و هنگامی که به آن ها گفته شود: «در زمین فساد نکنید» می گویند: «ما فقط اصلاح کننده ایم».

و مریدان دنباله رو مدنی از این دشمن جهاد و هجرت چنان تابع داری را آغاز کرده‌اند که صوت ها و سخنان پوچش را از طریق رسانه ها و سایت های مختلف به نشر سپرده و در گمراه ساختن موحدین با وی هم‌دست شده اند، چنان شده‌اند که اگر **مدنی** شیخ شان ایمان بیاورد، آنها هم ایمان خواهند آورد و اگر کافر شود، آنها نیز کافر خواهند شد!

ابـن مسـعود رضـی الله عنـه متوفـی (٦٥٣م) مـی گویـد: یـک مسـلمان بایـد طـوری خـود را تربیـت کنـد و بـه خویـش اتـکا و اطمینـان ورزد کـه اگـر تمـام مردمـان روی زمیـن کافـر شـدند، او کافـر نشـود. آگاه باشـید کـه کسـی از شـما در دینـش از کسـی تقلیـد نکنـد، طـوری کـه اگـر ایـمان آورد او نیـز ایـمان آورد و اگـر کافـر شـود او نیـز کافـر گـردد. اگـر ناچـار بودیـد کـه بـه کسـی اقتـدا کنیـد، پـس از مـردگان متابعـت کنیـد، چـرا کـه شـخص زنـده از فتنـه و فسـاد در امـان نیسـت. [المعجـم الکبیر/الطبرانی/جلـد۹/ صفحـه ۱۵۳، رجـال صحیـح]

اگـر یـک انسـان عاقـل بـه سـخنان مدنـی گـوش بدهـد میدانـد کـه وی هرگـز بـر یـک رای و منهـج ثابـت و یـک عقیـده راسـخ اسـتوار نیسـت، بلکـه هـر وقـت مثـل سوسـمار رنـگ عـوض می‌کنـد، و خیلـی دشـوار اسـت کـه لحظـه‌ی ثابـت بـر یـک خـط باشـد، ایـن حیلـه را بـرای ایـن بـکار میبـرد تـا تمـام افـکار و اندیشـه هـای پلیـد را بـه خـود جـذب کنـد کـه ایـن خـود در اصـل نفـاق و دورویـی اسـت، حتـی بخاطـر مصالـح اجتماعـی ولایـت کفـار و غـم شریکـی بـا آنـان را پذیرفتـه و ترسـی هـم از سـلطه کفـار بـر مسـلمانان را نـدارد.

عبدالقـادر گیلانـی مـی گویـد: شـما علـمای دربـاری کجـا و آنهـا یعنـی علـمای پاکدیـن کجـا، ای خیانـت کاران در علـم و عمـل، ای دشـمنان اللـه و رسـولش صلـی اللـه علیـه وسـلم، ای راهزنـان بنـدگان اللـه، شـما در ظلـم و نفاقـی آشـکار هسـتید، ایـن نفـاق تـا بـه کـی، ای عالمـان و ای زاهـدان؟ چقـدر بـه درگاه ملـوک و سـلاطین از بـاب نفـاق وارد مـی شـوید تـا در مـال دنیـا و شـهوات و لذائـذ از آنـان بهـره‌وری و سـودجوئی کنیـد؟ شـما و بیشـتر حاکـمان ایـن زمـان در مـال رب و حقـوق بندگانـش ظـالم و خائـن هسـتید. بـار الهـی هیبـت منافقـان را درهـم شـکن و آنهـا را رسـوا بگـردان یـا توفیـق توبـه بدیشـان ده و ریشـه و بـن ظالمـان را قطـع سـاز و زمیـن را از آلودگـی و پلیـدی آنهـا پـاک نمـا یـا اصلاحشـان بفرمـا... [الفتـح الربانـی و الفیـض الرحمانـی:/ عبدالقـادر گیلانی/صفحـه ۱۹۵]

آیـا کسـیکه همـواره در پـی بدسـت آوردن دل کفـار و مرتدیـن باشـد و همیشـه بـر مجاهدیـن رد زده و یـاوه سرایـی مـی کنـد و هیـچ گاهـی حـاضر حتـا بـه یـک پرسـش یـک مجاهـد عـام دولـت اسـلامی نشـده بلکـه چنـان از مجاهدیـن در لایـف خـود فـرار مـی کنـد مثلـی کـه حـمار از قسـوره فـرار می‌کنـد.

بجـای اینکـه از قـرآن و سـنت سـخن بگویـد روی مـی‌آورد بـه دروغگویـی و تصدیـق کذابـان و بـا تقلیـد از مرتدیـن دسـت بـه توهیـن و انـکار جهـاد میزنـد، آیـا چنیـن شـخصی هـمان رویبضـه نیسـت؟!

اظهـر مـن الشـمس کـه از جملـه آنـان اسـت، رسـول اللـه صلـی اللـه علیـه وسـلم مـا را ۱۴ قـرن پیـش از آمـدن چنیـن رویبضـه هـا خـبر داده بـود، در حدیثـی کـه سـنن ابـن ماجـه در کتـاب فـتن خـود جـای داده چنـین میایـد کـه رسـول اللـه صلـی اللـه علیـه وسـلم میفرمایـد: سـيَأتي علَـى النَّـاسِ سـنواتٌ خدَّاعـاتُ يصـدَّقُ فيهـا الـكاذِبُ ويُكَـذَّبُ فيهـا الصَّـادِقُ ويُؤتَمَـنُ فيهـا الخائـنُ ويُخـوَّنُ فيهـا الأمـينُ وينطِـقُ فيهـا الرُّوَيْبضَـةُ قيـلَ ومـا الرُّوَيْبضَـةُ قـالَ الرَّجلُ التَّافِـهُ في أمـرِ العامَّـةِ. [رقـم: ۴۰۳۶]

ترجمـه: بـزودی بـر مـردم سـال هـای خیانـت و فریـب خواهند آمـد کـه در آن دروغگـو راسـتگو شـمرده شـده و صـادق بعنـوان دروغگـو قلمـداد مـی گـردد، و خائـن مـورد اطمینـان قـرار گرفتـه و وفـادار بسـان خیانتـکار در نظـر گرفتـه مـی شـود، و در آن سـال هـا رویبضـه سـخن مـی رانـد، گفتنـد رویبضـه کیسـت؟ فرمـود: شـخص فاسـد و رذل و فرومایـه‌ای کـه در

مـورد امـور و مصالـح مـردم سـخن مـی گویـد.

براسـتی ایـن چنیـن ملاهـا حقـا کـه رویبضـه هسـتند، تـا حـال قـرآن و سـنت را بـه طـرز صحیـح آن نفهمیـده انـد و بـا کـبر و جهالـت دسـت بـه فتـوای تعطیـل جهـاد و حمـلات مجاهدیـن میزننـد، و در سـخنان **مدنـی** اگـر انـدک تامـل شـود حتـا نمیتوانـد تعـادل فکـری خـود را حفـظ کنـد و هـر طـرف دهـان می‌انـدازد، و در پـی گمـراه کـردن جوانـان از هیـچ دروغ و سـخنی بـدور از انصـاف و عـدل دریـغ نمـی کنـد.

ایـن شـخص بـه خانـه نشـینی و تـرک جهادِ خـودش اکتفـا نکرده بلکـه آشـکارا دیگـران را هـم از جهـاد منـع مـی کنـد و مدعـی نبـودن هیـچ گروهـی جهـادی و عـدم فرضیـت جهـاد در عـصر حـاضر شـده اسـت.

ولـی نفاقـش چنیـن شـعله ور گردیـد که آمـد و اظهـار غمخواری بـا مـردار هـای روسـی و طالبـان را کرد، و خواسـت با بـد جلوه دادن مجاهـدان چاپلوسـی و بـوت پاکـی ملحـدان را کنـد، آیـا غمشریکـی بـا روس هـای کافـر در شـان یـک مسـلمان اسـت؟ یـا هـم از صفـت منافـق...

سـخن شـعیب علیـه السـلام وقتـی عـذاب بـالای قومـش

نـازل می‌شـد چنیـن بـود: {فَكَيْـفَ ءاسَىٰ عَـلَىٰ قَـوْمٍ كَافِرِيـنَ} [الأعــراف: ۹۳]

ترجمـه: پـس چگونـه بـر گـروه کافـر (و بـی ایـمان) افسـوس بخـورم؟!

بلـی منهـج انبیـاء و سـلف مـا چنیـن اسـت کـه نـه تنهـا ناراحـت نمـی شـوند بلکـه سـینه هایشـان شـفا یافتـه و خرسـند مـی شـوند، قـال تعالـی: {قاتِلُوهُـمْ يُعَذِّبْهُـمُ اللَّـهُ بِأَيْدِيكُـمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُـمْ عَلَيْهِـمْ وَيَشْـفِ صُـدُورَ قَـوْمٍ مُّؤْمِنِـينَ} [التوبـة:۱۴]

ترجمـه: (ای مؤمنـان!) بـا آن کافـران بجنگیـد تـا اللـه آنـان را بـا دسـت شـما عـذاب کنـد و خوارشـان دارد و شـما را بـر ایشـان پیـروز گردانـد و سـینه‌های اهـل ایـمان را شـفا بخشـد (و بـر دلهـای زخمـی ایشـان مرهـم نهـد و درد دیرینـه‌ی اذیّـت و آزار کفّـار را از درون آنـان بزدایـد).

بلـه بـا قتـل کافـر دل هـای مومنـان شـفا می‌یابـد و قلـب هـای منافقـان غمگیـن می‌شـود، پـس **مدنـی** کشـته شـدن روس هـای نجـس را محکـوم می‌کنـد کـه ایـن خـود از جملـه صفـات منافقیـن میباشـد نـه موحدیـن.

و نـه تنهـا **مدنـی** بلکـه حـکام کافـر و مرتـد سرزمیـن هـای

اسلامی به شمول طالبان مرتد بالای روس های کافر دل سوختاندند و غمگین شدند و هر کدام مطابق جایگاهش سر چاپلوسی را نزد قدم های پوتین خم نمودند.

حذیفه بن الیمان متوفی(٦٥٦م) می گوید: المنافقون الذین منکم الیوم شر من المنافقین الذین کانوا علی عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم قلنا: و کیف؟ قال: اولئک کانوا یخفون نفاقهم، و هولاء اعلنوه. [الاوسط/الطبرانی/جلد۳ صفحه۱۳۴]

ترجمه: منافقان امروزین بدتر از منافقان زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم هستند. گفتیم چطور؟ گفت: آنها نفاقشان را مخفی می کردند، ولی این منافقان زمان ما آنرا علنی و آشکار می کنند.

تمام این تسلیت ها و تهنیت های‌که بخاطر ضایعات و مرگ و میر کفار و مرتدین چه بخاطر جلب مصلحت یا دفع مفسده بیان شده است ناقض سریع الولاء و البراء می باشند.

و این **مدنی** و امثالهم که به بهانه‌ی مصلحت و مفسده از هیچ سخنی پروا نمی کنند تا دیگران را به خود جذب

کرده و خود را محبوب همگان گردانند و با سخنان شان طلب رضایت و خوشنودی همه مردم به جز الله سبحانه و تعالی را کرده اند.

سید قطب می‌گوید: همه‌ی کسانی که از گفتن حق واهمه دارند، به مصلحت و مفسده احتجاج و استناد می ورزند، تا جاییکه مصلحت و مفسده طاغوتی می گردد که غیر الله پرستش می شود.

مدنی در سخنانش ادعا می کند که در مورد خراسان و دیگر ولایات جاهل است و چیزی را نمیداند و باز هم از روی نادانی اش به تقلید از سخنان مرتدین و کفار دست میزند و شروع به یاوه سرایی می کند، چرا به این آیات قرآنی نگاه نمیکنی ای مدنی؟! الله متعال میفرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء:٣٦]

ترجمه: از چیزی دنباله‌روی مکن که از آن ناآگاهی، بیگمان (انسان در برابر کارهائی که) چشم و گوش و دل همه (و سایر اعضاء دیگر انجام میدهند) مورد پرس و جوی از آن قرار میگیرد.

و جای دیگری میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ} [الحجرات:۱۲]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، که برخی از گمان‌ها گناه است.

و میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ} [الحجرات:٦]

ترجمه: ای مؤمنان، اگر فاسقی خبری برایتان بیاورد، بررسی کنید (تا مبادا) آنکه از روی نادانی به گروهی زیان رسانید، آنگاه بر آنچه مرتکب شده اید، پشیمان شوید.

تمام علماء اجماع دارند که اصل در سخنان کفار کذب است مگر اینکه صدق اش ثابت شود.

پس این **مدنی** و امثالهم به کدام دلیل اسم دولت اسلامی را نگرفته بلکه می گویند داعش یا ایگیل؟!

آیا اسم داعش را مجاهدین بالای خود گذاشته اند یا کفار و مرتدین؟!

پس ای **مدنی** یعنی اینقدر ذلیل شده‌ای که تقلید و تصدیق

کفـار را کـردی، و بجـای اسـم دولـت اسـلامی یـا خلافـت، آمده و اسـم داعـش را بـکار میـبری و بـا بیشرمـی آیـات الله را پشـت سر گذاشـته و بـدون علـم و بـه تصدیـق مـشرکان میپـردازی و اخبـار آنهـا را حجـت گرفتـه و بـر دولـت موحدیـن و مجاهدیـن میتـازی، و در صـدد ضعیـف کـردن اتحـاد موحدیـن و جلوگیري از پیوسـتن شـان بـه طایفـه منصوره شـده‌ای.

صفـت تـو هـمان ماننـد دروغگـوای اسـت کـه هـر چـی بشـنود نقـل مـی کنـد، تـا اینکـه بـروی و از علـمای اهـل سـنت پیـروی کنـی بلکـه وظیفـهٔ ناتمـام ابـن سـلول را پیـش بـردی وپیـروی از منافقیـن را آغـاز کـردی و نهایـت تـلاش خـود را بـرای دور کـردن جوانـان بـا شـبهات خـود از صـف جهـاد نمـودی در نتیجـه خواسـتی صـف حـق را بـا سـخنانت تضعیـف نمایـی و بـا ایـن کارت صفـت دیگـری از منافقـان راکسـب نمـودی، اللـه متعـال میفرمایـد: {فَـرِحَ الْمُخَلَّفُـونَ بِمَقْعَدِهِـمْ خِـلاَفَ رَسُـولِ اللَّـهِ وَكَرِهُـوا أَن يُجَاهِـدُوا بِأَمْوَالِهِـمْ وَأَنفُسِـهِمْ فِي سَـبِيلِ اللَّـهِ وَقَالُـوا لَا تَنفِـرُوا فِي الْحَـرِّ قُـلْ نَـارُ جَهَنَّـمَ أَشَـدُّ حَـرًّا لَّـوْ كَانُـوا يَفْقَهُـونَ} (التوبـة:٨١)

واپـس گذاشـتگان بـه نشسـتن خویـش بـر خـلاف رسـول

الله شادمان شدند و ناخوش داشتند که با مالهایشان و جانهایشان در راه الله جهاد کنند و گفتند: در گرما بیرون نروید، بگو: آتش جهنّم گرم‌تر است، اگر در می یافتند.

پس این شاگردان **مدنی** به سخنان و افعال استاد شان که مخالف قرآن و سنت است چه عذر میاورند؟!

عبدالرحمن بن حسن آل شیخ می گوید: شکی نیست که الله بزرگ کسانی از اهل جاهلیت را که کتابی نداشتند بخاطر شرک اکبر معذور ندانست، پس چگونه امتی که کتاب الله بینشان است و آنرا می خوانند را معذور بداند در حالی که قرآن حجت الله بر بندگانش است؟ [فتاوی ائمه النجدیه/جلد۳/صفحه ۲۲٦]

زمانی که رد بالای این **مدنی** زده شود خودش به شمول شاگردانش مهر خوارج را بر منتقدین شان میزنند، و حتا دست به تکفیر برادران مجاهد زدند و آنها را به چنگیز و لشکرش تشبیه کردند.

این کار شان هم به متابعت از اهل باطل می‌باشد که همیشه نیرنگ شان بوده که بتوانند بر بطلان خود پرده انداخته و گروه حق را بد جلوه دهند و مردم را در گرد

خود جمع نمایند، ای کاش که به حق تسلیم می‌شدند!

چه کسانی مانند خوارج شده می‌توانند که حتی با گناهان کوچکتر از کفر و معصیت تکفیر می‌کنند؟ ولی جالب اینست که دشمنان ما ما را با چیزی که غایت ایمان و توحید یعنی جهاد و قتال است، تکفیر می‌کنند!

این توهین ها و سخن گفتن ها علیه مجاهدین همان پایمال کردن حرمت ماه مبارک رمضان و تجاوز بر حقوق الهی در این ماه است، کسانی که پیوسته مردم را از این نقض حرمات تحذیر می‌کنند اکثرا خودشان هیچ احترامی به این حرمات قائل نیستند و برای الله هیچ شعیره‌ای از شعائر را تعظیم نمی کنند، بلکه فقط بخاطری اینکه مردم این ماه را دوست دارند از این رو فرصتی یافته تا با استفاده از نصوص و دلایل به سوی خودشان دعوت دهند نه بسوی آن نصوص و شعائر و حرمات!

حرمات و حدودی پایمال شده در این ماه زیاداند، ولی به یاد این علمای سوء نیست چون طاغوت به آن دستور نداده تا آن را بیان کنند، فضیل بن عیاض می گوید: از راه هدایت اطاعت بجوی قلت پویندگان راه هدایت به

تو ضرری نخواهد رسانید. از راه‌های ضلالت بدور باش و کثرت هلاک شدگان و ازدیاد مفلوکان تو را نفریبد. [الصواعق المرسله/ابن قیم/جلد۳/صفحه۸۶]

بار الهی! تو شاهد هستی و باش، که ما و منهج دولت اسلامی از عقاید خوارج بیزاریم، و ما اصل در ساکنین سرزمین های اسلامی را اسلام میدانیم، و معتقد هستیم که همه مردم عوام سرزمین های اسلامی در عموم مسلمان اند و تکفیر نمی کنیم مگر اینکه یکی از آنان را در یکی از نواقض اسلام ببینیم و برای ما آشکار شود، با گناه کبیره هیچ مسلمان را تکفیر نمی کنیم مثل زانی و دزد و شراب خوار.یا الله این **مدنی** و شاگردانش را هدایت فرما و ما را با هدایت شان شاد کن، همه انسان ها خطا کار اند بهترین شان توبه کنندهایشان هستند.

جهاد و فرضیت آن:

جا دارد که چند سخن مختصر در مورد جهاد و فرضیت جهاد بگوییم تا آتشی باشد که منکرین و قاعدین جهاد را بسوزاند و نوری باشد برای هدایت یافتگان و مشتاقان جنت.

ابـن تیمیـه رحمـه اللـه مـي گویـد: جهـاد، در حقیقـت سـعي و تـلاش در بدسـت آوردن آنچـه الله آنرا دوسـت مـي دارد از باورها و کردارهـاي نیک و دفـع آنچـه اللـه بـرآن خشـم مـي گـیرد مانند کفـر و فسـاد و طغیـان. [کتـاب مجمـوع الفتـاوي:۱۰/ ۱۹۱]

بـا ایـن تعریـف هـر آنچـه کـه مومـن در بدسـت آوردن آن در راه ایمـان بـه اللـه و فرمانـبري او تـلاش نمایـد مثـل مقاومـت در برابـر شر و بدیهـا و انحرافـات، ثابـت قـدم مانـدن بـر دیـن اللـه، اسـتقامت در مقابـل وسوسـه هـاي شـیطان، از جمله جهـاد در راه اللـه محسـوب مـي شـوند.

علـمای مسـلمین برایـن هسـتند کـه جهـاد بـا کفـار و جنگیـدن بـا آنهـا بخاطـری نـشر دیـن اسـلام فـرض کفایـي اسـت، یعنـي زمانیکـه گروهـي ایـن واجـب را انجـام دادنـد فرضیـت و گنـاه آن از دیگـران سـاقط مـي شـود.

بـه دلیـل قـول اللـه در آیـه ۹۵ سـوره النسـاء کـه میفرمایـد: {لَّا يَسْـتَوِي الْقَاعِـدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِـينَ غَيْرُ أُولِي الـضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَـبِيلِ اللَّـهِ بِأَمْوَالِهِـمْ وَأَنفُسِـهِمْ فَضَّـلَ اللَّـهُ الْمُجَاهِدِيـنَ بِأَمْوَالِهِـمْ وَأَنفُسِـهِمْ عَـلَى الْقَاعِدِيـنَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْـنَى وَفَضَّـلَ اللَّـهُ الْمُجَاهِدِيـنَ عَـلَى الْقَاعِدِيـنَ أَجْـرًا عَظِيمًا}

ترجمـه: آن مؤمنـان (خانه‌نشـینی) کـه بـدون هیـچ بیـماری و رنجـی از جهـاد بازنشسـتند، بـا مجاهدانـی کـه در راه اللـه بـا مـال و جـان خـود جهـاد کردنـد (هرگـز) یکسـان نیسـتند. اللـه کسـانی را کـه بـا مـال و جانشـان جهـاد کردنـد بـر خانه‌نشـینان بـه مرتبـه‌أی (بـزرگ) برتـری بخشـیده اسـت و اللـه بـه هـر یک (مجاهـدان یـا خانه‌نشـینانِ معـذور) وعـدۀ نیکـو داده اسـت و (لـی) اللـه مجاهـدان را بـر خانهنشـینان بـا پاداشـی بـزرگ برتـری داده اسـت.

ابـن قدامـه رحمـه اللـه مي‌گويـد: ايـن آيـه دليـلي اسـت بـر اینکـه آنانیکـه جهـاد (زمانـی کـه فـرض کفایـی باشـد) نرفتـه انـد گناهـکار نیسـتند... . [المغنـي13/ 6]

{وَمَـا كَانَ الْمُؤْمِنُـونَ لِيَنفِـرُوا كَافَّـةً فَلَـوْلَا نَفَـرَ مِـن كُلِّ فِرْقَـةٍ مِّنْهُـمْ طَائِفَـةٌ لِّيَتَفَقَّهُـوا فِي الدِّيـنِ وَلِيُنـذِرُوا قَوْمَهُـمْ إِذَا رَجَعُـوا إِلَيْهِـمْ لَعَلَّهُـمْ يَحْـذَرُونَ} [التوبة:١٢٢]

ترجمـه: و سـزاوار نیسـت کـه مؤمنـان همگـی رهسـپار (جهـاد) شـوند. پـس چـرا از هـر گروهـی از آنـان، عـده‌ای رهسـپار نمیشـوند (و عـده‌ای نیـز همـراه پیامـبر نمیماننـد) تـا (بـه سـبب آنچـه از او فرامیگیرنـد) در دیـن آگاهـی بیابنـد و قـوم خـود را

ـ وقتی به سویشان بازگشتند بیم دهند؟ باشد که آنان (از کیفر الهی بترسند و) بپرهیزند.

حالاتي كه در آن جهاد فرض عين مي شود:

علماء گفته اند در سه حالت جهاد فرض عين مي شود (به المغنی ابن قدامه رحمه الله نظر شود):

۱- زمانيكه دو لشكر اسلام و كفر با هم روبه رو شدند پس ديگر حق نداريد كه به معركه پشت كنيد، در آيه ۱۵ و ۱٦ سوره انفال آمده:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُواْ زَحْفاً فَلاَ تُوَلُّوهُمُ الأَدْبَارَ وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلاَّ مُتَحَرِّفاً لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزاً إِلَى فِئَةٍ فَقَدْ بَاء بِغَضَبٍ مِّنَ اللّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ}

ترجمه: هنگامي كه با انبوه كافران روبه رو شديد بدانان پشت نكنيد هر كس در آن هنگام به آنان پشت كند و فرار نمايد گرفتار خشم الله خواهد شد و جايگاه او، دوزخ خواهد بود و جهنم بدترين جايگاه است.

۲- زماني که کفار بالای شهر یا منطقه مسلمانان حمله ور شوند بر اهل آن شهر جنگیدن واجب است زیرا دفاع از نفس واجب است.

مانند حالت امروزی مسلمانان که کشور های همچو قفقاز و چچن و تاجکستان و ازبکستان توسط کفار و مرتدین اشغال شده و حکم در آنجا از آن غیر الله است، الله سبحانه در آیه ۱۹۰ سوره البقرة مي فرماید: {وَقَاتِلُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلاَ تَعْتَدُواْ إِنَّ اللّهَ لاَ يُحِبِّ الْمُعْتَدِينَ}

ترجمه: و در راه الله بجنگید با کساني که با شما مي جنگند و تجاوز و تعدي نکنید.

۳- وقتی که خلیفه یا امیر مسلمانان به نفیر یا بیرون شدن برای جهاد فرمان دهد پس به کسی که فرمان داده شود بر او جهاد فرض عین می‌شود، و در عصر کنونی خلیفه مسلمانان همه مسلمین را ندا داده که هجرت و جهاد کنند و حتا به شکل گرگ تنها عملیات کنند، همانطور که در آیه ۳۸ و ۳۹ سوره التوبة آمده است: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ [38] إِلَّا تَنفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما را چه شده است که چون به شما گفته میشود: «در راه الله رهسپار (جهاد) شوید»، سستی به خرج میدهید (و در خانه‌هایتان مینشینید)؟ آیا به جای آخرت، به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اید؟ (پس بدانید که) کالای زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست. (ای مؤمنان،) اگر رهسپار (جهاد) نگردید، (الله) شما را به عذابی دردناک گرفتار مکند و به جای شما گروهی دیگر را میآورد و (شما با نافرمانی، هرگز) به او تعالی زیانی نمیرسانید؛ و الله بر هر چیزی تواناست.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید: جنگیدن به منظور عقب راندن هجوم دشمن از حرمات الهی و حراست از حریم دین که از مهمترین انواع جهاد دفاعی محسوب می گردد به اجماع واجب است.

دشمنِ مهاجمی که دین و دنیا را به فساد و تباهی کشیده

و پس از ایمان چیزی واجب تر از بیرون راندن آن نیست، و برای چنین نبردی هیچ شرطی از قبیل زاد و راحله وجود ندارد، بلکه بقدر امکان باید دشمن را راند و بر این مطلب علمای مذهب ما و دیگران تصریح نموده اند.

و نیز ابن تیمیه رحمه الله می گوید: هنگامی که دشمن بر سرزمین اسلام تجاوز نمود، بدون شک مقابله با دشمن به ترتیب بر نزدیک ترین آنان واجب است. زیرا سرزمین های اسلامی، سرزمین واحدی هستند و در چنین شرایطی اقدام سریع و رفتن به سوی دشمن واجب است و فرزند بدون اجازه‌ی پدر و بدهکار بدون اجازه‌ی طلبکار بیرون شود و نصوص امام احمد رحمه الله به این مطالب صراحت دارند و این حالت بعنوان نفیر عام و بسیج عمومی برای جنگ با دشمن شناخته شده است.

ادله‌ی بسیج عمومی برای جنگ با دشمن و مجوزهای آن:

۱- الله متعال میفرماید: {انفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ} [التوبة:۴۱]

ترجمه: (ای مؤمنان! هرگاه منادی جهاد، شما را به جهاد ندا درداد فوراً) بسوی جهاد حرکت کنید، سبکبار یا سنگینبار، (جوان یا پیر، مجرّد یا متأهّل، کم‌عائله یا پرعائله، غنی یا فقیر، فارغالبال یا گرفتار، مسلّح به اسلحهی سبک یا سنگین، پیاده یا سواره و ... در هر صورت و در هر حال،) و با مال و جان در راه الله جهاد و پیکار کنید، اگر دانا باشید میدانید که این به نفع خود شما است.

و در آیات جلوتر، عذاب و استبدال به ترک نفیر مرتب و منوط گشته است و عذاب الهی فقط سزای ترک واجب و یا فعل حرام می‌باشد.

{إِلَّا تَنفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} [التوبة:۳۹]

ترجمه: اگر برای جهاد بیرون نروید، الله شما را (در دنیا با استیلاء دشمنان و در آخرت با آتش سوزان) عذاب دردناکی می‌دهد و (شما را نابود می‌کند و) قومی را جایگزینتان می‌سازد که جدای از شمایند (و پاسخگوی فرمان الله اند و در اسرع وقت دستور او را اجرا می‌نمایند. (شما بدانید که با نافرمانی خود تنها به خویشتن زیان می‌رسانید) و

هیچ زیانی به الله نمی‌رسانید (چرا که الله بی نیاز از همگان و دارای قدرت فراوان است) و الله بر هر چیزی توانا است (و از جمله بدون شما هم می‌تواند اسلام را پیروز گرداند، و همچنین شما را از بین ببرد و دسته‌ی فرمانبرداری را جانشین شما کند).

علامه ابن کثیر رحمه الله می گوید: الله متعال به بسیج عمومی همراه پیامبرش، برای نبرد با دشمنان الله -کفار اهل کتاب روم- در سال غزوه تبوک دستوردادند.

و امام بخاری بابی را تحت عنوان (**باب وجوب النفیر و ما یجب من الجهاد و النیه**) عنوان کرده و این آیه را ذکر نموده است، انگیزه‌ی این بسیج عمومی فقط این بود که به گوش مسلمانان رسید که رومی ها در نزدیکی مرز های جزیره العرب خود را برای حمله به مدینه آماده می کنند، آیا هنگامی که کفار در سرزمین اسلامی داخل شوند، بسیج توده مردم اولی نیست؟!

ابوطلحه در تفسیر کلمات {خفافا وثقالا} می گوید کهنسال و جوان، الله عذر کسی را نمی پذیرد.

و حسن بصری رحمه الله می گوید: در حالت سختی و آسانی.

امـام زهـری رحمـه اللـه مـی گویـد: سـعید بـن مسـیب رحمـه اللـه بـرای جنـگ بیـرون شـد، در حالیکـه یکـی از چشـمانش را از دسـت داده بـود، بـه او گفتـه شـد: شـما بیماریـد. پاسـخ داد: اللـه بـه سـبکبار و سـنگین بـار، تندرسـت و بیـمار دسـتور خـروج در راهـش را داده اسـت، اگـر مـن توانایـی جنـگ را نـدارم، سـیاهی لشـکر کـه هسـتم و اسـباب را نگهـداری مـی کنـم. [الجامـع لاحـکام القـرآن: ۸/۱۵۰]

۲- اللــه متعــال میفرمایــد: {وَقَاتِلُــوا الْمُشْرِكِــينَ كَافَّــةً كَــمَا يُقَاتِلُونَكُــمْ كَافَّــةً وَاعْلَمُــوا أَنَّ اللَّــهَ مَــعَ الْمُتَّقِــينَ} [التوبـة:۳٦]

ترجمـه: و بـا همـۀ (انـواع) مـشرکان (و کافـران) بجنگیـد، چنان کـه آنـان بـا همـۀ شـما مـیجنگنـد؛ و بدانیـد کـه اللـه همـراه پرهیـزگاران اسـت.

ابـن العربـی رحمـه اللـه مـی گویـد: **کافـه**: یعنـی آنـان را در هرحالـت و از هـر سـو محـاصره کنیـد.

۳- اللــه متعــال میفرمایــد: {وَقَاتِلُوهُــمْ حَتَّــى لَا تَكُــونَ فِتْنَــةٌ وَيَكُــونَ الدِّيــنُ كُلُّــهُ لِلَّــهِ...} [الأنفــال:۳۹]

ترجمـه: و (ای مؤمنـان،) بـا آنـان پیـکار کنیـد تـا فتنه ریشـهکن شـود و دیـن، همـه از آنِ اللـه گـردد.

اینجا منظور از فتنه شرک است، و در هنگام هجوم و اشغال کفار بر سرزمین های اسلامی دین امت در معرض تهدید و عقیده شان آماج شک و تردید قرار می گیرد، بنابر این برای حراست و حمایت از دین و جان و مال و آبرو و حیثیت جنگ و نبرد واجب است.

۴- رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: پس از فتح مکه، حکم هجرت لغو گردید، اما جهاد و اراده برای آن، همچنان باقی است، هنگامی که به جهاد دعوت شدید، حرکت کنید.

لهذا هنگام دعوت بسوی جهاد و حملهٔ کفار، امت باید برای حمایت از دین خود به سرعت آماده شوند، و مدار وجوب بستگی به نیاز مسلمانان یا دعوت امام دارد.

همانگونه که علامه ابن حجر رحمه الله در شرح این حدیث تصریح نموده اند، علامه قرطبی رحمه الله می گوید: کسیکه به ضعف مسلمانان در برابر دشمن پی برد و دانست که توان پیوستن و امکان فریاد رسی به آنان را دارد، خروجش لازم است... [فتح الباری٦/٣٠]

۵- همه ادیانی که از سوی الله متعال نازل شده برای

حفاظـت از پنـج اصـل مهـم میباشـند کـه عبـارت از حفاظـت دیـن، آبـرو، حیثیـت، عقـل و مـال اسـت.

بنابـر ایـن حفاظـت از ایـن ضروریـات بـه هـر وسـیله‌ی لازم اسـت از ایـن رو دفـع مهاجـم در اسـلام مـشروع اسـت.

پـس در عـصر حـاضر کفـار بـر سرزمیـن هـای اسـلامی حملـه کـرده و اشـغال کـرده و عمـوم مسـلمین را بـه قتـل میرسـانند، آیـا در چنیـن حالتـی بـر مسـلمانان دفـع تهاجـم کافـر و دولـت کافـر واجـب نیسـت؟!

عـزت مسـلمانان در تاجیکسـتان و روسـیه پایـمال اسـت زنـان حجـاب کـرده نمیتواننـد و موحـد بخاطـری توحیـد اسـیر و شـکنجه مـی شـود و قانـون کفـر تطبیـق مـی شـود و زمیـن توسـط مرتدیـن و کفـار اشـغال شـده اسـت، آیـا بـاز هـم جهـاد فـرض عیـن نیسـت؟!

بایـد بداننـد آنانیکـه دسـت بـه تـرک جهـاد زده و خانـه نشـینی را اختیـار کرده‌انـد کـه چـی وعیـد هـای متوجـه شـان اسـت، اللـه متعـال در سـوره التوبـة می‌فرمایـد: {يَـا أَيُّهَـا الَّذِيـنَ آمَنُـوا مَـا لَكُـمْ إِذَا قِيـلَ لَكُـمُ انفِـرُوا فِي سَـبِيلِ اللَّـهِ اثَّاقَلْتُـمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُـم بِالْحَيَـاةِ الدُّنْيَـا مِـنَ الْآخِـرَةِ فَـمَا مَتَـاعُ

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ [۳۸] **إِلَّا تَنفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ}** [۳۹]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردهاید، شما را چه شده است که چون به شما گفته مشود: «در راه الله رهسپار (جهاد) شوید»، سستی به خرج مدهید (و در خانههایتان مینشینید) ؟ آیا به جای آخرت، به زندگی دنیا دل خوش کردهاید؟ (پس بدانید که) کالای زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست. (ای مؤمنان،) اگر رهسپار (جهاد) نگردید، (الله) شما را به عذابی دردناک گرفتار مکند و به جای شما گروهی دیگر را میآورَد و (شما با نافرمانی، هرگز) به او تعالی زیانی نمیرسانید؛ و الله بر هر چیزی تواناست.

در صحیح بخاری آمده که: ابو هریره رضي الله عنه می‌گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: هر کسی که بمیرد در حالی که جهاد نکرده باشد و یا در نفس خود فکر و نیت جهاد نداشته باشد بر یکی از شعبه های نفاق مرده است.

وای بـه حـال کسـیکه نـه تنهـا خـودش جهـاد نمـی کنـد بلکـه دیگـران را نیـز از جهـاد منـع مـی کنـد، اعوذباللـه.

از حکمـت هـاي اللـه تعالـی ایـن اسـت کـه کشـمکش و درگـیري میـان حـق و باطـل تـا روز قیامـت باقـي می‌مانـد و تـا زمـاني کـه ایـن درگـیري و کشـمکش وجـود دارد جهـاد هـم وجـود دارد و بـه وقـت معینـي محـدود نشـده اسـت تـا زمـاني کـه باطـل و گمراهـي و کفـر وجـود داشـته باشـد جهـاد هـم باقـي اسـت و فضیلـت آن بـر حسـب همـه زمانهـا و مکانهـا بـر جـاي خـود وجـود دارد، اللـه تعـالي در آیـه ۲۱۷ سـوره البقـرة مـي فرمایـد: {وَلاَ يَزَالُـونَ يُقَاتِلُونَكُـمْ حَتَّـىَ يَرُدُّوكُـمْ عَـن دِينِكُـمْ إِنِ اسْـتَطَاعُواْ}

ترجمـه: پیوسـته بـا شـما خواهنـد جنگیـد تـا اگـر بتواننـد شـما را از دیـن و آئینتـان بربگرداننـد.

و امـام مسـلم از جابـر رضي اللـه عنـه روایـت می‌کنـد کـه پیامـبر صلـی اللـه علیـه وسـلم فرمودنـد: همیشـه گروهـي از امـت مـن بخاطـری حـق در جنـگ و کارزار هسـتند و تـا روز قیامـت وجـود خواهنـد داشـت.

و پیامـبر صلـی اللـه علیـه وسـلم مـي فرماینـد: خـیر و خـوبي

تـا روز قیامـت در اسـبها وجـود دارد (اشـاره بـه ایـن اسـت كـه تـا قیامـت جهـاد وجـود دارد). [بـه روایـت امـام بخـاري و امـام مسـلم رحمهـما اللـه]

جـا دارد مـوردی را بیـان كنیـم **مدنـی** میگویـد فعـلا هیـچ گـروه جهـادی وجـود نـدارد، بـا بسـیار بـی شرمی سـخن رسـول اللـه صلـی اللـه علیـه وسـلم را تكذیـب كـرده و دروغ میگویـد، حـال شـاگردان **مدنـی** بگوینـد كـه سـخن پیامـبر صلـی اللـه علیـه وسـلم را بپذیریـم یـا از **مدنـی**؟!!

پیامـبر صلـی اللـه علیـه وسـلم میفرماینـد: لاتـزال طائفـة مـن أمتـي يقاتلـون علـي الحـق ظاهريـن الي يـوم القيامـة، قـال فينـزل عيسي بـن مريـم فيقـول تعـال صـل لنـا، فيقـول: لا ان بعضكـم علـي بعـض أمـراء تكرمـة اللـه هـذه الأمـة [بـه روایـت مسـلم]

ترجمـه: همـواره طایفـهاي از امـت مـن در راه حـق جهـاد میكنند و ایـن رونـد تـا قیامـت ادامـه دارد، فرمودنـد: و عیسـی بـن مریـم نـازل مـي شـود و امـیر شـما بـه او مـي گویـد بیـا برایمـان نمـاز بخـوان او مـي گویـد: نـه اللـه سـبحانه وتعالی بـه خاطـری احترام بـه ایـن امـت امـیر را از خودتـان قـرار داده اسـت.

۲- پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: لا تزال طائفة من أمتي يقاتلون علي الحق، ظاهرين علي من ناوأهم حتي يقاتل آخرهم المسيح الدجال. [به روایت احمد و أبو داود]

ترجمه: همواره طایفه‌اي از امت من در راه حق با کسانی که با آنها مخالفت و دشمنی می‌کنند می جنگند تا آنگاه که آخرین این طایفه بر ضد دجال خواهند جنگید.

۳- از عقبة بن عامر روایت است که می‌گوید که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: لاتزال عصابة من أمتي يقاتلون علي أمر الله، قاهرين لعدوهم، لايضرهم من خالفهم حتي تأتي الساعة و هم على ذلك. [به روایت مسلم]

ترجمه: پیوسته طایفه‌ای از امت من هستند که برای دفاع از حق (دین اسلام) می‌جنگند، و بر دشمنان خود چیره هستند، مخالفت مخالفان به آنها ضرري نخواهد رسانید تا اینکه قیامت فرا رسد و آنان بر این حق خواهند بود.

۴- پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: لن يبرح هذا الدين قائما يقاتل عليه عصبة من المسلمين حتي تقوم الساعة [به روایت مسلم]

ترجمه: این دین هیچگاه از بین نمیرود و همواره گروه

اندکی از مسلمانان تا روز قیامت برای حفظ و دفاع از آن می‌جنگند.

این احادیث دلالت دارند بر اینکه یکی از شروط طایفه‌ی منصوره که پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را مدح نموده‌اند قتال فی سبیل الله برای اظهار کردن دین است، این طایفه تا ابد پابرجا است «لا تزال طائفة... »، و طایفه‌ای است که بر حق استوار است بدین معنی که از سلف صالح تبعیت و به پیروی از کتاب و سنت هدایت می‌کنند و غیر آن را رد می‌کنند و اصالتشان منتسب است به حق.

پس حق اظهر من الشمس است، ای کاش بدانند!

الله متعال مؤمنان را فرمان داده است که کافران را بسوی هدایت و حق دعوت نمایند، و هر کسی از آنان که رو برگرداند و اعراض نماید، الله متعال به جنگ علیه او امر فرموده است تا آنگاه که کلام الله عزوجل اعلی و بلندترین گردد و تمامی دین برای الله تعالی خالص شود.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: أمرت أن أقاتل الناس حتى يشهدوا أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله [متفق علیه]

ترجمه: به من امر شده است که علیه مردم پیکار نمایم تا آنگاه که شهادت بدهند هیچ معبودی به حقي جز الله نیست و محمد رسول و فرستاده اوست.

و میفرماید: بعثت بين يدي الساعة بالسيف حتى يعبد الله وحده لاشريك له [صحيح، به روايت احمد از ابن عمر]

در حالي که نزديك است قيامت بر پا شود با شمشير مبعوث شدهام تا الله به يگانگي پرستش شود و هيچ شريكي براي او قائل نشوند.

مبارزه و جنگ با كفار در راه الله قلهٔ و بالاترين درجهٔ اسلام است و بوسيله اين فريضه ديني بود که پرچم اسلام در شرق و غرب بر افراشته شد و اين امر از بالاترين و مهمترين عمل هايي است كه قرب و نزديكي به الله را بدنبال دارد و از بارزترين عبادتها است.

و براي بلند شدن كلمه الله مشروع شده و يک نوع راهي براي دعوت عموم مردم است و آيات و احاديث زيادي دال بر فضيلت اين امر مهم وجود دارد، در آيه ١١١ سوره التوبة مي خوانيم: {إِنَّ اللّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ فَيَقْتُلُونَ

وَيُقْتَلُونَ وَعْداً عَلَيْهِ حَقّاً فِي التَّوْرَاةِ وَالإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللّهِ فَاسْتَبْشِرُواْ بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُم بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ}

ترجمه: بيگمان الله جان و مال مومنان را در برابر بهشت خريداري مي كند، اينكه در راه الله بجنگند و بكشند و كشته شوند، اين وعده اي است كه الله در تورات و انجيل و قرآن، وعده راستين آنرا داده است و چه كسي از الله به عهد خود وفا كننده تر است؟ پس به معامله اي كه كرده ايد شاد باشيد و اين پيروزي بزرگ و رستگاري سترگي است.

و در آيه ٢٠ - ٢١ - ٢٢ سوره التوبة مي فرمايد: {الَّذِينَ آمَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَاهَدُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ اللّهِ وَأُوْلَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ * خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً إِنَّ اللّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ}

ترجمه: كسانيكه ايمان آورده اند و مهاجرت كرده اند و در راه الله با جان و مال جهاد نموده اند داراي منزلت والاتر و بزرگتري در پيشگاه الله هستند و آنان رستگاران

و به مقصود رسندگان مي باشند، پروردگارشان آنان را به رحمت خود و خوشنودي و بهشتي مژده مي دهد كه در آن نعمتهاي جاودانه دارند، همواره در بهشت جاودانه مي مانند بيگمان در پيشگاه الله پاداش بزرگي موجود است.

و همچنين در آيه ١٦٩ تا ١٧١ سوره آل عمران مي فرمايد: {وَلاَ تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ أَمْوَاتاً بَلْ أَحْيَاء عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللّهُ مِن فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُواْ بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلاَّ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ * يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ}

ترجمه: و كساني كه در راه الله كشته مي شوند را مرده مشمار، بلكه آنان زنده اند و به ايشان نزد پروردگارشان روزي داده مي شود، آنها شادمانند از آنچه كه الله به فضل و كرم خود به ايشان داده است و خوشحالند بخاطری كساني كه بعد از آنها مانده اند و به ايشان نپيوسته اند همانا ترس و هراسي بر ايشان نيست و آنها اندوهگين نخواهند شد، شاد و خوشحالند بخاطر نعمتهايي كه الله به آنان داده است و فضل و كرمي كه به ايشان روا ديده

است و همانا الله اجر و پاداش مومنان را ضایع نمي كند.

امام بخاري و مسلم از ابو هريره رضي الله عنه روايت مي كنند كه از رسول الله صلى الله عليه وسلم پرسيده شد: چه كاري برتر و بهتر است؟ فرمودند: ايمان به الله و رسولش، گفته شد سپس چه چيزي؟ فرمودند: جهاد در راه الله تعالى.

همچنين اين دو بزرگوار از انس رضي الله عنه روايت مي كنند: يک صبحگاه و يک شامگاه جهاد كردن بهتر است از دنيا و آنچه در آن است.

از مقدام بن معدی کرب روايت شده: که رسول الله صلی الله عليه وسلم گفت: برای شهيد نزد الله متعال هفت خصلت هست:

۱- در اولين قطره‌ی خونش که ميريزد گناهانش بخشيده مي‌شود.

۲- و هنگام مرگ جايگاهش را در بهشت ميبيند.

۳- و از عذاب قبر نجات داده مي‌شود.

۴- و از ترس بزرگ (روز قيامت هنگام نفخ صور) در امان است.

٥- و بــالای سرش روز قیامــت تاجــی را میگذارنــد کــه یــك یاقــوت آن بهــتر اســت از دنیــا و آنچــه کــه روی آنســت.

٦- و هفتاد و دو تن از حور عین نصیبش مي‌شود.

٧- و هفتاد تن از اهل بیتش را شفاعت مي‌کند.

در صحیــح بخــاری آمــده: کــه ابــو هریــرة رضي اللــه عنــه می‌گویــد کــه رســول اللــه صــلی اللــه علیــه وســلم گفــت: در بهشــت صــد درجــه (مرتبــه) وجــود دارد کــه اللــه متعــال آنــرا بــرای مجاهدینــی در راهــش آمــاده کــرده اســت، فاصلــه هــر دو درجــۀ بــه انــدازه زمیــن و آســمان اســت پــس اگــر بــه اللــه دعــا می‌کردیــد بهشــت فــردوس را طلــب کنیــد زیــرا کــه در بالاتریــن نقطــۀای بهشــت قــرار دارد و بــالای آن عــرش اللــه ســبحانه وتعالــی قــرار دارد و از ایــن بهشــت اســت کــه همــه رودخانــه هــای دیگــر بهشــت سرچشــمه میگیرنــد.

در صحیحــین آمــده: کــه ســهل بــن ســعد رضي اللــه عنــه می‌فرمایــد کــه رســول اللــه صــلی اللــه علیــه وســلم گفــت: یــک روز ربــاط در راه اللــه بهــتر اســت از دنیــا و آنچــه کــه روی آنســت و جایــگاه چــوب دســتی شــما در بهشــت بهــتر اســت از دنیــا و آنچــه کــه روی آنســت و رفــتن یــك شــخص در راه اللــه

در پاره ای از شب و یا روز بهتر است از دنیا و آنچه که روی آنست.

در صحیح مسلم آمده: که ابو هریرة رضي الله عنه می‌فرماید که مثال مجاهد در راه الله -و الله داناتر است که چه کسی مجاهد است در راه او- مانند شخص همیشه روزه گذار و نماز گذار است و الله برای شخص مجاهد در راهش ضمانت داده است که اگر جان او را گرفت او را وارد بهشت کند و یا او را سالم همراه با غنیمت و پاداش برگرداند.

در صحیحین آمده: که ابو هریرة رضي الله عنه می‌فرماید: که هیچ مجروحی نیست که در راه الله زخمی شده باشد مگر اینکه روز قیامت خواهد آمد و از زخمش خون میریزد رنگ آن رنگ خون و بوی آن مسك خواهد بود.

امام احمد و نسائی روایت کرده اند: که انس رضي الله عنه می‌فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: با مشرکان جهاد کنید با مال و نفس و زبانهایتان.

در صحیحین آمده: که از رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسیده شد: چه عملی بهترین است؟ گفت: ایمان آوردن

به الله و رسولش، گفته شد سپس چه چیزی؟ گفت: جهاد در راه الله، گفته شد سپس چه چیزی؟ گفت: حج مقبول.

در صحیح بخاری آمده: که ابو عبس ابن جبر انصاری گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: هیچ قدمی نیست که در راه الله خاکی شده باشد که در آتش بسوزد.

امام احمد و ابو داوود روایت کرده اند: که ابن عمر رضي الله عنهما گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر با عینة (نوعی ربا) خرید و فروش کردید و دم گاو را گرفتید (دنبال دنیا رفتید) و از زراعت و کشتکاریتان راضی شدید (از دنیایتان راضی شدید) و جهاد در راه الله را ترك کردید پس الله خواری و ذلتی را نصیبتان میکند که آنرا بر طرف نمیکند مگر اینکه به دینتان باز گردید.

در صحیح بخاری آمده: که شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول الله مرا راهنمایی کن به عملی (که در اجر و پاداش) مساوی با جهاد باشد رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: آنرا نمي یابم (یعنی هیچ عملی معادل آن نیست) سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: آیا میتوانی از زماني که شخص

مجاهد برای جهاد خارج شد تو وارد مسجد شوی و شروع به نماز کنی پی در پی بدون استراحت و هر روز روزه بگیری بدون آنکه روزه ات را بشکنی؟ آن مرد گفت: چه کسی میتواند آنرا انجام دهد یا رسول الله!!

امام ابن حجر در این مورد می‌گوید: و این یك فضیلت آشکاری است برای شخص مجاهد در راه الله که هیچ عملی مساوی با جهاد نیست.

در صحیحین آمده: که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: دوست داشتم که در راه الله جهاد کنم و سپس کشته شوم و دوباره جهاد کنم و دوباره کشته شوم و دوباره جهاد کنم و دوباره کشته شوم.

پس ای برادر و ای خواهر! آیا مي بینی که آرزوی رسول الله صلی الله علیه و سلم چه بود؟

و اما اینجا کسانی اند صادق بر سخن شان که سلفی اند و اهل سنت و جماعت بر پیروی از قران و سنت استقامت کرده و در راه الله جهاد می کنند و می کشند و کشته می شوند و بعضی هایشان در این راه زخم برداشته و اسیر و زندانی می شوند و خاطر رضای الله و جنت اش تحمل

می کنند و در جهت دعوت بسوی اسلام و توحید هرگونه قربانی میدهند، و اما نوع دیگر آنانیکه ادعای دروغین اتباع سلف را می کنند و در حالیکه بر اتباع منافقین پافشاری کرده و از خود یک مصیبت برای موحدین ساخته اند و حیا و عقل را دور نهاده و در مسیر جهل و تکبر شان در حرکتند.

ما از اینها میخواهیم هنوز هم وقت است بیاید به قرآن و سنت تسلیم شوید و توبه کنید و دست از بطلان کاری هایتان بردارید و واقعا بسوی دین الله برگردید و پستی و ذلت را ترک کنید، حد اقل اگر جهاد نمی کنید سگ برای مجاهدین نباشید، اگر توبه و بازگشت بسوی الله تعالی نکردید بدانید عاقبت شما همان است که الله داند.

و این را هم بدانید که مجاهدین لله الحمد با بصیرت کامل در راه خود در حرکتند، تا امروز دشمنی هیچ دشمن و ملامتی هیچ ملامت کننده‌ای به آنها ضرر نرسانده است و در هر فتنهٔ جدید چیزی نبوده جز اینکه به ایمان شان افزوده است.

به متبعین و مقلدین مدنی می‌گوییم! دست از تعصب

بیجا بردارید و حق را بپذیرید، طعنه زدن و عیب گیری بر موحدین و مجاهدین به شما هیچ سودی نخواهد داشت، طوری که قبلاً نداشته و شما شاهد بودید پس در آینده هم نخواهد داشت بإذن الله، هدایت شما نزد ما خوشایندتر است، و گرنه شمشیر ها و قلم های ما همیشه برای نابودی باطل آماده است.

و آخر دعوانا أن الحمدلله رب العالمين

رسانه الحديد